فصل‌نامه مطالعات اقتصاد انرژی/ سال بیستم / شماره ۸۱/ تابستان ۱۴۰۳ / صفحات ۱۲۱-۹۱

# بررسی تطبیقی رقابت‌پذیری فعالیت‌های بالادستی نفت و گاز در نظام حقوقی ایران و نروژ

**حسین الیاسی** [۱]
**دانشجوی دکتری حقوق نفت و گاز،دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران**
**hosseinelyasi4@gmail.com**

**رضا طجرلو**
**استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی،دانشگاه تهران**
**rtajarlou@ut.ac.ir**

**تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۷**

## چکیده

رقابت‌پذیری شرکت‌ها و صنایع مختلف به عنوان یکی از معیارهای اصلی ارزیابی موفقیت آنها محسوب می‌شود. در یک تعریف کلی، رقابت‌پذیری توانایی یک شرکت یا صنعت برای حفظ یا افزایش سهم خود در بازارهای ملی و بین المللی با استفاده از ابزارهای مختلف است. قراردادهای بالادستی، صنعت نفت و گاز یکی از صنایع کلیدی کشور است. بیش از صد سال از کشف نفت در ایران می‌گذرد و اگرچه این صنعت نقش تعیین کننده‌ای در اقتصاد کشور دارد، اما ایران هرگز نتوانسته در زمره توسعه دهندگان فناوری‌های صنعت نفت و گاز جهان قرار گیرد، در حالی که موفقیت در تجارت ، بر اساس توانایی‌های فنی و مهندسی، بین‌المللی شدن شرکت‌های نفت و گاز و زیرساخت‌های قوی فناوری است و فقط صرفاً فروش نفت خام نیست. هدف این تحقیق مقایسه رقابت‌پذیری فعالیت‌های بالادستی نفت و گاز در نظام حقوقی ایران و نروژ می‌باشد. روش تحقیق به صورت کتابخانه‌ای می‌باشد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد با توجه به اینکه نروژ تنها متکی به فروش نفت خام نیست و با توسعه فناوری رشد چشمگیری در این زمینه حاصل کرده است. و با استراتژی‌های روش‌های مناسب همچون استفاده از ظرفیت‌های داخلی (شرکت‌های خصوصی) که باعث رقابت بیشتر در این زمینه می‌شود، را ارائه کرده است. پیشنهاد می‌شود اگرچه تولید نفت و گاز ممکن است در کنترل دولت یا بخش خصوصی باشد ولی انتقال و توزیع آن تحت شرایط خاص از سوی بخش خصوصی مدیریت شده و در بازار آزاد رقابت‌پذیر باشد.

**طبقه‌بندی JEL:** K32 ,K33 .
**کلیدواژه‌ها:** حقوق رقابت، فعالیتهای نفت و گاز، تنظیم مقررات نفت و گاز.

---

۱. نویسنده مسئول

[ Downloaded from iiesj.ir on 2026-11-27 ]

## ۱- مقدمه

یکی از ویژگی‌های شرکت‌های موفق داشتن قدرت رقابت است. قدرت رقابت بیش از هر چیز ناشی از داشتن دیدگاه‌های جدید است. امروزه محیط و زمان، تغییرات قابل توجهی در شاخص‌های رقابت‌پذیری ایجاد کرده است. لازم به ذکر است که تنها تئوری‌ها و چارچوب‌های مفهومی رقابت‌پذیری می‌توانند به طور دائم مورد استفاده قرار گیرند، که به اندازه کافی انعطاف پذیر باشند تا فرآیندهای مدیریتی و تغییرات محیطی را تطبیق دهند. رقابت‌پذیری سازمان توسط بسیاری از محققین به عنوان یک مفهوم چند بعدی ارائه شده است (آمباشتا و مومایا[1]، ۲۰۱۵: ۶۷) رقابت‌پذیری عوامل متعدد و پیچیده‌ای دارد. در طول چند صد سال گذشته، اقتصاددانان همواره تلاش کرده‌اند تا عوامل تعیین کننده ثروت و بهره وری کشورها را شناسایی کنند. این تلاش‌ها از دیدگاه آدام اسمیت در مورد تخصیص و تقسیم کار گرفته تا تاکید اقتصاددانان نئوکلاسیک بر سرمایه گذاری در سرمایه فیزیکی و زیرساخت‌ها و اخیراً توجه به مکانیسم‌های دیگری مانند آموزش، پیشرفت فناوری داخلی یا وارداتی، ثبات در حساب‌های دولتی، حکمرانی حاکمیت قانون، شفافیت، عملکرد بهینه مؤسسات، پیشرفته بودن بنگاه‌ها، شرایط تقاضا، اندازه بازار و بسیاری موارد دیگر را شامل می‌شود. (شواب و کلاز[2]، ۲۰۱۳: ۳۲).

انعطاف‌پذیری قراردادهای نفتی، یکی از ویژگیهای صنعت بالا دستی نفت و گاز است. به این معنی که همزمان با افزایش درآمد پروژه، سود کارفرما و پیمانکار افزایش می‌یابد. این ویژگی صنعت نفت به دلیل ریسک بالای آن می‌باشد. شرکتهای طرف قرارداد نفتی با سهیم شدن در درآمدها و سود، میتوانند پاداش وحق الزحمه و بازدهی خود را به دست آورند(نجف آبادی و حاجیان و آشتیانی،۱۸۳) به دلیل ریسک و درامد بالا، توجه به رقابت‌پذیری غبر قابل اجتناب می‌باشد.

پایه اصلی اقتصاد ایران وابسته به درآمدهای نفتی است و بودجه سالانه کشور از این بخش تأمین می‌شود. بر اساس آمار شرکت بی پی، حجم ذخایر هیدروکربوری نفت و گاز ایران درحدود ۱۵۷/۸ میلیارد بشکه ذخایر اثبات شده نفت خام و ۳۲/۱ تریلیون متر مکعب ذخایر اثبات شده گازی گزارش شده است که به ترتیب سهم ۹/۱ و ۱۷/۱

1. Ambashta and Momaya
2. Schwab and Claus

[ Downloaded from iiesj.ir on 2026-11-27 ]

درصدی از کل ذخایر نفتی و کل ذخایر گازی جهان را دارا بوده این در حالی است که در همین سال سهم کشور ایران از تولید نفت و گاز جهان به ترتیب ۳/۴ درصد و ۶/۵ درصدگزارش شده است و حاکی از عدم بهره برداری مطلوب و بهینه از این ذخایر زیرزمینی با توجه به حجم قابل توجه ذخایر اثبات شده را دارد.(همان ۱۸۹) ساختار صنعت نفت کشور به دو دسته اصلی صنایع بالادستی و صنایع پایین دستی نفت و گاز تقسیم می‌شود. بدیهی است که این صنعت در انحصار دولت است. و همین موضوع قدرت رقابت را سخت‌تر کرده است.

از نظر فقه شیعه، مخازن نفت و گاز زیر مجموعه معادن میباشد و معادن نیز جزء انفال است. انفال بودن مخازن نفت آثار حقوقی دارد از جمله اینکه انفال طبق اصل ۴۵ قانون اساسی در اختیار حکومت اسلامی است بنابراین مالکیت انفال قابل انتقال به دیگری نیست.

از سوی دیگر، ماده ۱ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت و همچنین ماده ۱۷ قانون اصلاح نفت ۱۳۸۹ به صراحت وزارت نفت را نماینده حکومت اسلامی برای اعمال حق مالکیت و حق حاکمیت قرار داده است. بنابراین، طبق قوانین ایران، انتقال مالکیت نفت در محل، نفت مخزن و چاه به شخص دیگری یا تقسیم آنها با دیگری مطلقاً غیرممکن است.

صنعت نفت و گاز نروژ از لحاظ شاخص حکمرانی منابع[1] در سال ۲۰۱۷ جایگاه نخست را در میان ۸۱ کشور جهان به دست آورده است و مطالعات بسیاری نحوه عملکرد نظام حکمرانی نفت و گاز نروژ را بهینه و برتر از بسیاری از کشورهای تولید کننده نفت و گاز جهان توصیف می‌کنند. (لوند[2]،۲۰۱۴: ۵۰)

کشور نروژ چارچوب‌های مشخصی را برای توسعه میادین نفت و گاز در نظر گرفته است. قانون نفت نروژ مهمترین سندی است که چارچوب مدیریت و بهره برداری از منابع نفت و گاز را تعیین می‌کند. بررسی فرآیندهای قانونی حاکم بر صنعت نفت و گاز نروژ و چگونگی تحول آن به شناخت الگوی حاکمیتی صنعت نفت در این کشور کمک می‌کند تا بتوان نظام حکمرانی صنعت نفت جمهوری اسلامی ایران را بهبود بخشید. این

1. Resource Governance Index (RGI)
2. Lund

[ Downloaded from iiesj.ir on 2026-11-27 ]

پژوهش به بررسی تطبیقی فعالیت‌های بالا دستی نفت و گاز در نظام حقوقی ایران و نروژ می‌پردازیم. در این مقاله سعی کرده‌ایم به روش تطبیقی با مطالعه یک کشور پیشرفته نفتی یعنی نروژ به این سؤال اصلی پاسخ دهیم چه عواملی باعث توسعه و رقابت‌پذیری صنعت نفت نروژ در سطح بین المللی گردیده و چرا این اتفاق در بسیاری از کشورها از جمله ایران روی نداد؟ پس از مرور ادبیات اقتصادهای مبتنی بر منابع طبیعی و شروط رقابت پذری و توسعه در آنها از دیدگاه صاحب نظران به بررسی عوامل مؤثر بر رقابت‌پذیری در فعالیت‌های بالا دستی نفت و گاز نروژ و ایران می‌پردازیم. به این روش اهمیت فن آوری و همچنین انحصاری بودن این صنعت و استفاده از توان داخلی (شرکت‌های داخلی) را با مقایسه پیشرفت کشور نروژ با ایران خاطرنشان می‌کنیم. از نظر روش شناسی این مقاله مبتنی بر مطالعهٔ مورد تطبیقی انجام گرفته است. که در آن از طریق مقایسه دو مورد متفاوت در شرایط گوناگون عوامل تبیین کننده فاصله عملکردی دو کشور تحلیل می‌گردد.

## ۲- نظام حقوقی ایران

عملکرد حاکمیتی دولت تابع سیاست رقابتی است (اعمال مقررات حقوق رقابت بر اعمال حکومتی و تصدی)، (رستمی و کمرخانی، ۱۳۹۴: ۴۳۳) مطابق با ماده ۴۳ قانون رقابت تمام اشخاص حقیقی و حقوقی بخش‌های عمومی و دولتی و تعاونی مشمول مواد این فصل (تسهیل رقابت و منع انحصار) هستند. در قواعد رقابت حقوق ایران، با توجه به اطلاق ماده (۴۳) ق.ا.س.ک.ا.(۴۴)، هر فردی اعم از اینکه در بخش دولتی فعالیت می‌کند یا بخش خصوصی، اگر در فعالیت اقتصادی شرکت داشته باشد، مشمول قواعد رقابتی می‌گردد. لذا اگر دولت هم به عنوان اعمال تصدی درگیر فعالیت اقتصادی شود، حقوق رقابت در مورد وی اجرا می‌شود.

**ماده ۲۴ قانون بهبود مسمتر محیط کار:** هیات عالی نظارت بر منابع نفتی و وزرات نفت مسولیت تنظیم مقررات در بخش نفت و گاز را بر عهده دارد پیش از ان این شرکت ملی نفت ایران اغلب مقررات گذاری[1] بخش نفت و گاز را در اختیار داشت اما با تصویب قانون وظایف واختیارات وزارت نفت درسال ۱۳۹۱ تقریباً تمامی این اختیارات از

1. rulernaking

[ Downloaded from iiesj.ir on 2026-11-27 ]

این شرکت سلب شد. با وجود این به استناد بندهای ۸ و ۹ ماده ۶ اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۹۵ این شرکت همچنان از سهم اندکی در تنظیم بخشی مقررات بخش نفت و گاز برخوردار است (امین زاده و مقیمی، ۱۳۹۷: ۳۵۷). قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت درسال ۱۳۹۱ بخش اعظم اختیارت رگلاتوری در بخش نفت و گاز را به وزرات نفت واگزار کرده است. هیات عالی نظارت بر منابع نفتی در ماده ۳ قانون اصلاح قانون نفت ۱۳۹۰ معرفی شده و در ماده ۴ همین قانون، وظایف تنظیم گری این هیات در بخش نفت و گاز نام برده شده است. جایگاه هیات عالی نظارت بر منابع نفتی در بدنه وزراتخانه دولتی خاصی تعریف نشده اما مطابق با دستورالعمل چگونگی تشکیل و اداره هیات عالی نظارت بر منابع نفتی مصوب ۱۳۹۲، دبیر خانه هیات در وزرات نفت مستقر است (همان: ۳۵۸).

با توجه به اسناد بالادستی کشور در بخش نفت و گاز، به روشنی وظایف وزرات نفت در زمینه راه اندازی نهاد تنظیم گری جهت تسهیل فضای کسب و کار، ایجاد رقابت و منع انحصار تبیین شده است. مهم‌ترین هدف نهاد تنظیم مقررات گسترش و توسعه بازارهای رقابتی به نحوی است که در مجموع حقوق ۳ رکن اصلی بازارهای اقتصادی یعنی دولت، بخش خصوصی و مصرف کنندگان را فراهم کند (علی خواجوی، ۱۳۹۴: ۲۲).

مطایق با ماده ۱۳ قانون وظایف واختیارات وزارت نفت درسال ۱۳۹۱ وزرات نفت مکلف شده زمینه رقابت سالم و شفاف بین فعالان اقتصادی صنعت و نفت و گاز و صنایع مرتبط و وابسته را فراهم نماید و با جلوگیری از انحصار، فضای کسب و کار در این صنعت را بهبود سازد. (همان: ۲۴). در ماده ۱۲۹ قانون برنامه پنجم توسعه وزرات نفت ملزم به ایجاد ساختار سازمانی لازم برای ایفای وظایف حاکمیتی خود شده است یکی از این موارد صدور پروانه برای عملیات اکتشاف توسعه و تولید برای شرکتهای ذیصلاح می‌باشد (علی خواجوی، ۱۳۹۴: ۲۲).

انرژی انحصار طبیعی محسوب شده که کنترل آن در دست دولت می‌باشد (ابراهیمی و جعفری چالشتری، ۱۳۹۴: ۳۶۱)دولت‌ها با این توجیه که ساز و کار بازار آزاد در تخصیص بهینه منابع و ایجاد حداکثر رفاه دارای نواقصی است عهده دار تصدی بخش انرژی شدن، بدین منظور کشورها به ایحاد حقوق رقابت در بازار انرژی روی آوردن. (همان: ۳۶۲)

[ Downloaded from iiesj.ir on 2026-11-27 ]

بخش انرژی بخش استراتژیک اقتصاد محسوب می‌شود. توجیه طرفداران دخالت دولت ضرورت تأمین و تضمین انرژی است. رقابت در تولید انرژی باعث می‌شود آن دسته از تولید کنندگانی که نمی‌توانند خدمات متعارفی را با قیمت رقابتی تأمین کنند از بازار خارج شوند بنابراین بخش‌هایی نظیر توزیع از سوی دولت (سیاست گزار و ناظر) کنترل شده هزینه‌های مرتبط با تعرفه توسط دولت تعیین شده و تولید انرژی برای ایجاد رقابت هموار می‌شود در واقع تولید انرژی هیچ گونه ویژگی خاص و غیر قابل رقابتی ندارد تا بتواند همیشه در حالت انحصار طبیعی بماند (همان: ۳۶۶) پس امکان آن وجود دارد که بخش‌های بالادستی مانند تولید و تصفیه و بازاریابی انرژی تابع قواعد حقوق رقابت قرار گیرد. رقابت اهداف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دارد. هدف اقتصادی دولت از قواعد حقوق رقابت حمایت از آزادی فعالیت اقتصادی و از بین بردن انحصارات است.

به هر گونه تلاش دولت به منظور هدایت بازار، تنظیم مقررات اطلاق می‌شود. این ابزار به معنای وضع قوانین در جهت هدایت و اصلاح رفتار عوامل مؤثر در بازار است به منظور پاسخگویی به شکست در بازار، هدف تنظیم مقررات ارتقای رقابت و کاهش انحصار در بازار است (رستمی و مقیمی، ۱۳۹۶: ۲۲۰).

فواید و مزایای تنظیم مقررات به خصوص در بخش‌هایی که ماهیتاً و دارای طبیعت انحصاری‌اند بیشتر نمود پیدا می‌کند. صنایع زیر ساختی از جمله بخش انرژی دارای ماهیت انحصارینند. بخش بالادستی نفت و گاز به منزله بخشی با ماهیت انحصار طبیعی (بند ۱۳ ماده ۱ قانون اصلاح) شناخته می‌شود.

تنظیم مقررات در بخش انرژی شامل صدور مجوز فعالیت در بخش و نظارت بر فعالان بخش به منظور حصول اطمینان از رعایت قوانین و مقررات و... می‌باشد مصادیق آن عبارتند ازصدور مجوز اکتشاف و توسعه میادین نفت و گاز، تدوین مقررات مربوط به برچیدن تاسیسات میادین نفت و گاز و تدوین سایر مقررات و استاندارهای بالادستی می‌شود. (همان: ۲۲۳)

بر اساس ماده ۸ قانون مدیریت خدمات کشوری امور حاکمیتی به معنای اموری است که تحقق آن موجب اقتدار و حاکمیت کشور است و منافع آن بدون محدودیت شامل همه قشرهای جامعه شود. مواردی از جمله ایجاد فضای سالم برای رقابت و جلوگیری از انحصار از جمله وظایف حاکمیت شمرده شده است.

[ Downloaded from iiesj.ir on 2026-11-27 ]

در ماده ۱۳ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه و قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی دولت مکلف شده وظایف حاکمیتی از اختیارات شرکت‌های دولتی منفک و در اختیار وارتخانه‌ها و مؤسسات تخصصی ذیربط واگزار کند.

قانون برنامه پنجم توسعه ماده ۱۲۹ وزرات نفت را مکلف به ایجاد ساختار سازمانی لازم برای ایفای وظایف حاکمیتی خود کرده است.

ماده ۱۳ قانون وظایف و اختیارات وزرات نفت، وزرات نفت را به فراهم آوردن بستر لازم برای توسعه رقابت سالم و شفاف میانن فعالان اقتصادی مکلف کرده و خواهان آن است که با جلوگیری از ایجاد انحصار در این بخش با انجام وظایف تنظیم گری خود فضای کسب و کار را در این بخش رونق بخشد.

### ۳- شورای رقابت

تشکیل شورای رقابت به منزله نهاد تنظیم مقررات فرابخشی در حوزه رقابت به منظور اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، پیش بینی شده است. طبق این قانون نهاد تنظیم مقررات فرابخشی نسبت به نهاد تنظیم مقررات بخشی از موقعیت برتری برخوردار است. شورای رقابت با هدف تسهیل کنندگی فعالیت بخش خصوصی و به طور کلی‌تر در عرصه اقتصادی و به منزله عاملی در جهت کاهش ریسک تأسیس شد تا بخش خصوصی با ورود به بازار نگران انحصارات و رقبای انحصارگر خود نباشد. مهم‌ترین وظیفه تنظیم گری شورای رقابت حصول اطمینان از وجود رقابت سالم در بخش‌ها صنایع و بازارهای مختلف است. هیات مقررات زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار[1] نیز یکی دیگر از نهادهای تنظیم مقررات بخش انرژی کشور است که مسئول نظارت و مقررات زدایی و تسهیل صدور مجوز فعالیت سرمایه‌گذاران در اقتصاد کشور از جمله بخش انرژی است. (همان: ۲۳۸)

شرکت ملی نفت ایران و وزارت نفت مسئولیت تنظیم مقررات در بخش نفت و گاز را بر عهده دارند. اما حدود و ثغور وظایف تنظیم گری این دو نهاد به صورت دقیق

۱. هیات مقررات زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار بر اساس تبصره ۴ ماده ۷ قانون اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در وزارت امور اقتصادی و دارایی شکل گرفت و سال ۱۳۸۷ فعالیت خود را به طور رسمی آغاز کرده است.

[ Downloaded from iiesj.ir on 2026-11-27 ]

مشخص و دامنه وظایف حاکمیتی از تنظیم گری به صورت شفافی تعیین نشده است. برای مثال بحث صدور پروانه انجام فعالیت‌های اکتشاف و استخراج معادن نفت و گاز بر عهده وزارت نفت نهاده شده است در حالی که در قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت از صلاحیت‌های مورد نیاز برای اعطای مجوز به متقاضی سخنی به میان نیامده است. اغلب وظایف تنظیمی مقررات بخش گاز کشور بر عهده شرکت ملی گاز ایران عبارتند از: تنظیم طرح‌های عملیاتی تنظیم مقررات ایمنی وسایل توزیع گاز و تهیه استانداردهای صنعت گاز است (همان: ۲۴۲)

ظرفیت‌های قانونی لازم برای تأسیس نهاد تنظیم مقررات در بخش بالادستی در زیر مجموعه نهاد تنظیم مقررات فرابخشی (شورای رقابت) در ماده ۵۹ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی وجود دارد. بر اساس این ماده شورای رقابت دارای اختیار پیشنهاد تشکیل نهاد تنظیم مقررات بخشی برای تصویب هیات وزیران است که در این خصوص شورای رقابت می‌تواند قسمتی از وظایف خود را به نهاد تنظیم کننده بخشی که خود پیشنهاد ارائه آن را به هیئت وزیران دادند تفویض کند.

با توجه به وجود انحصارات مختلف از جمله انحصارات طبیعی و قانونی در بخش‌های زیرساختی، تأمین خوراک و صنایع تأمین مواد پایه در زنجیره فعالیت‌های گسترده نفت، گاز و پتروشیمی کشور، به منظور ایجاد زمینه رقابت سالم و شفاف بین فعالان اقتصادی این بخش به موجب ماده ۵۹ اصلاحی قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی «موضوع ماده ۷ قانون اصلاح قانون مذکور مصوب سال ۱۳۹۷» و ماده ۱۳ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت، پیشنهاد تأسیس و اساسنامه نهاد تنظیم گر بخش صنعت نفت، گاز. پتروشیمی و صنایع وابسته به شرح زیر برای طی مراحل قانونی به تصویب شورای رقابت می‌رسد[۱].

با استناد ماده (۵۹) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی، شورای رقابت مکلف است در حوزه کالاها و خدماتی که بازار آنها به تشخیص این شورا مصداق انحصار بوده و نیازمند تأسیس نهاد مستقل تنظیم گر می‌باشداقدام کند تا از حالت انحصار خارج گردد.

۱. تصمیم جلسه ۴۷۴ شورای رقابت مورخ ۱۴۰۰/۰۵/۱۸

[ Downloaded from iiesj.ir on 2026-11-27 ]

با توجه به ویژگی‌های خاص بخش نفت، گاز، پتروشیمی و صنایع وابسته از جمله ویژگی‌های فنی، رفتارهای بازیگران بین المللی و علی الخصوص ویژگی‌های اقتصادی، وجود شرایط انحصاری اعم از انحصارات قانونی و طبیعی مانند شبکه‌ها و تأسیسات زیرساختی در بخش نفت، گاز و پتروشیمی که باعث می‌شود هیچ کدام از عناصر عرضه، تقاضا و نحوه قیمت گذاری وضعیت روشنی نداشته باشند، بطور انکارناپذیری منجر به بروز مصادیق شکست بازار در بخش مذکور می‌گردد و به همین دلیل، لزوم استفاده از ابزارهای تنظیم گری جهت ایجاد و تقویت رقابت‌پذیری از مهم‌ترین الزامات فضای کسب و کار در صنعت نفت و گاز به شمار رفته و غیر قابل اجتناب و مانع انحصار می‌باشد.

در رابطه با موضوع رقابت‌پذیری سه رویکرد اصلی و شناخته شده وجود دارد که بررسی آنها می‌تواند به فرآیند تعیین عوامل موثر بر رقابت‌پذیری در قراردادهای بالا دستی نفت و گاز کمک کند. این سه رویکرد عبارتند از:

- رویکرد مبتنی بر منابع
- رویکرد مبتنی بر بازار
- رویکردی مبتنی بر خلاقیت و نوآوری

در قوانین برنامه چهارم و پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور براساس ماده ۱۴ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی در بندهای مختلف قراردادهای بیع متقابل را به عنوان قراردادهای رسمی بخش بالادستی نفت و گاز کشور معرفی شد. ماده ۱۲۵ قانون برنامه پنجم توسعه نیز وزارت نفت را با شرط رعایت اصول و مفاد مندرج در بند (ب) ماده ۱۴ قانون برنامه چهارم توسعه که به احصاء مشخصات نسل سوم قراردادهای بیع متقابل می‌پردازد نسبت به انعقاد قراردادهای بیع متقابل با هدف ایجاد فضا و شرایط رقابتی در کلیه مراحل عملیات بالادستی مجاز می‌داند. با توجه با مطالب که در مورد شورای رقابت‌پذیری قراردادهای بالادستی نفت و گاز و جود دارد در سال ۱۳۹۱ با اصلاح قراردادهای بیع متقابل توانسته است که رقابت‌پذیری را در رویکرد مبتنی بر منابع و رویکرد مبتنی بر بازار ایجاد کند اما در مورد رویکرد مبتنی بر خلاقیت و نوآوری برعکس باعث شده است که رویکرد مبتنی بر خلاقیت و نوآوری شرکت‌های داخلی تضعیف گردد و سهم چندانی از این بازار نداشته باشند.

[ Downloaded from iiesj.ir on 2026-11-27 ]

### ۴- سلطه ی انحصار در بازار انرژی

یخش انرژی به عنوان «بخش راهبردی» یک اقتصاد به شمار می‌آید و به همین دلیل توجیه طرفداران مداخلهٔ دولت، ضرورت تأمین و تضمین انرژی است. دلایل این ضرورت به بیان آن‌ها به قرار زیر است: اول آنکه دولتها عموماً در فعالیت‌هایی دخالت می‌کنند که جزء انحصارات طبیعی به شمار می‌روند؛ نظیر انتقال و توزیع حامل‌های انرژی که به ایجاد «ادغام‌های عمودی» در بخش‌های بالادستی و پایین‌دستی منجر می‌شود (ویلیس[1]، ۲۰۱۸: ۱۴۹). دوم‌آنکه عمدتاً انحصار و ادغام اینگونه فعالیت‌ها در قالب یک شرکت دولتی صورت می‌گیرد. این شرکت‌ها نفت و گاز موردنیاز را تأمین می‌کنند که به طور معمول به عنوان «ضروریات حیات جامعه» به حساب می‌آیند و لذا نیاز به دخالت دولت را ایجاب می‌کنند (تروجیلو[2]، ۲۰۱۵: ۳۴۹). بنابر آنچه بیان شد، اصول ویژگی‌های الگوی سنتی به قرار زیر است:

حق انحصاری دولت نسبت به عملیات اجرایی و مدیریت شبکه انرژی؛ نبود رقابت قابل توجه در بخش خصوصی؛ شکل‌گیری و هدایت فعالیت‌های ادغام شدهٔ عمودی و وجود کنترل متمرکز؛ تعیین هزینه‌ها بر اساس هزینه‌های صرف شده، نه قیمت رقابتی در بازار؛ وجود سطح گسترده‌ای از برنامه‌ریزی‌های پیچیده به همراه کنترل سخت و مرکزی (دانکنسون[3]، ۲۰۱۷: ۳۵). مداخله نکردن ذینفع نهایی (مصرف‌کننده) در تصمیم‌گیری‌های مربوط به حوزهٔ تولید، توزیع و یا مصرف انرژی و یا حامل‌های آن؛ کنترل کلیهٔ بسترهای حقوقی و مالی؛ مسئولیت ناپذیری مدیران دولتی درصورت بروز خطر یا شکست در فعالیت‌ها. در حقیقت مسئولیت ناپذیری ناشی از هزینه‌های شایستگی نداشتن و سوء مدیریت و تحمیل هزینه‌ها به مصرف‌کنندگان و مؤدیان مالیاتی است (همان: ۳۶).

### ۵- انحصار طبیعی بودن

صنایع زیرساختی از جمله بخش انرژی دارای ماهیت انحصار طبیعی‌اند. استدلال می‌شود که صنعت انرژی به‌ویژه منابع نفت و گاز، خود از مصادیق «انحصار طبیعی»

1. Willis
2. Trujillo
3. Duncanson

[ Downloaded from iiesj.ir on 2026-11-27 ]

می‌باشند و ورود رقابت در آن به مصلحت نیست؛ چراکه انحصار طبیعی بودن باعث «صرفه‌جویی در هزینه‌های تولید انبوه»[1] و «کاهش هزینهٔ کل محصول» و «کاهش هزینه‌های جانبی» می‌شود. درحقیقت، ساختار برخی صنایع به گونه‌ای است که اگر قرار باشد محصولات آنها دارای «کارایی اقتصادی» و با حداقل هزینهٔ تولید شوند (باقری و جعفری چالشتری، ۱۳۹۲: ۳۷۷)، باید به صورت انحصاری انجام گردند؛ چراکه درغیر اینصورت، باید تعداد زیادی بنگاه کوچک وارد بازار شوند، به نحوی که همهٔ آنها به صورت ناکارآمد عمل می‌کنند؛ پس اقتصادی است که این‌گونه صنایع به صورت انحصاری اداره شوند.

اما باید گفت که خدمات انرژی در صورتی انحصار طبیعی به شمار می‌رود که لزوماً «تولید»، «انتقال» و «توزیع» انرژی به صورت یک مجموعهٔ وابسته و زنجیره‌ای به هم متصل باشند؛ توضیح آنکه چنانچه «تولید»، «انتقال» و «تسلیم» انرژی همه در انحصار دولت باشد، یعنی دولت نه تنها به تولید نفت و یا گاز بپردازد بلکه انتقال و توزیع خدمات مرتبط با انرژی به مصرف‌کننده را نیز در اختیار داشته باشد، در این صورت یک انحصار اتفاق خواهد افتاد. اما نظر به اینکه استفاده از امکانات بخش خصوصی غیردولتی در ساختار شبکهٔ انتقال و یا توزیع محصولات انرژی از طریق استفاده از دو یا چند مسیر (دو خط لوله، در گاز)، از امکان‌سنجی اقتصادی برخوردار می‌باشد، لذا امکان رقابت در این بخش وجود خواهد داشت؛ به عبارت دیگر درحالی که تولید و فروش محصولات انرژی ممکن است در کنترل دولت و یا بخش خصوصی باشد، اما امکان جذب سرمایه‌گذاری از سوی بخش خصوصی (داخلی و بین‌المللی) در زمینهٔ فعالیت‌های انتقال و توزیع محصولات انرژی وجود دارد.

حال اگر بخش خصوصی زمینهٔ لازم برای ورود به همهٔ زنجیرهٔ فعالیت‌های «بالادستی» بخش انرژی نظیر نفت و گاز را از نقطهٔ تولید تا نقطهٔ توزیع را داشته باشد، می‌توان انتظار داشت که بخشی از حوزهٔ انرژی از حالت انحصار طبیعی خارج شده، در قالب حقوق و اقتصاد رقابتی قابل تحقق باشد.

رقابت در تولید انرژی باعث می‌شود در نهایت آن دسته از تولیدکنندگانی که نمی‌توانند خدمات متعارفی را با قیمت رقابتی تأمین کنند، از بازار خارج شوند؛ بنابراین،

1. Economies of Scale.

[ Downloaded from iiesj.ir on 2026-11-27 ]

بخش‌هایی مثل توزیع از سوی دولت (سیاست‌گذار و ناظر) کنترل شده، هزینه‌های مرتبط با تعرفه‌ها به وسیلهٔ مقام عمومی تعیین و تولید انرژی برای ایجاد رقابت هموار می‌شود (تزارنکا[1]، ۲۰۱۱: ۳).

در همین راستا، در سیستم انتقال انرژی فقط یک «سیاست‌گذار و مقام نظارتی» می‌تواند مسئول کنترل خدمات مرتبط با توزیع باشد. در واقع تولید و بازاریابی انرژی هیچ ویژگی فنی خاص و غیرقابل رقابتی ندارد تا بتواند همیشه در حالت انحصار طبیعی قرار گیرد(هلویگ[2]، ۲۰۱۸: ۴). پس امکان آن وجود دارد که بخش‌های بالادستی مثل تولید و تصفیه و بازاریابی انرژی تابع قواعد رقابت قرار گیرند؛ اما بخش‌های پایین‌دستی، از قبیل انتقال و توزیع ممکن است به ناچار تابع یک «انحصار نظام‌مند» شوند؛ به این صورت که دسترسی به زیرساخت‌های شبکه باید تحت تئوری «تسهیلات ضروری» و مدیریت دولت رفاه قرار گیرد.

## ۶- رقابت‌پذیری در محیط دارای رقابت مبتنی بر فناوری و نوآوری

رقابت مبتنی بر فناوری و نوآوری در واقع یکی از انواع رقابت مبتنی بر شایستگی است.در چنین محیطی باید به مزیت‌های رقابتی به عنوان نتیجه نوآوری هایی نگاه کرد که اساس رقابت را تغییر می‌دهد. در فضای رقابت مبتنی بر فناوری و نوآوری رقابت بسیار پویا می‌باشد(ژو ییینگ۳، ۲۰۱۵: ۱۸).

در این جنبه از رقابت‌پذیری فناورانه بخش عمده رقابت در حوزه فناوری به اتکای پژوهش و فناوری و خلق راه حل‌های فناورانه انجام می‌شود. به عبارت دیگر ایجاد مسیرهای فناورانه برتر و دسترسی انحصاری به آنها، کلید کسب مزیت رقابتی در حوزه‌های فناورانه است.(همیس۴، ۲۰۱۵: ۳۴)

در «رقابت‌پذیری با منشاء فناوری» رقابت مبتنی بر دسترسی و بهره برداری از فناوری ممتاز و رقابتی بوده و افزایش توان بهره برداری از فناوری مهمترین عامل افزایش دهنده مزیت رقابتی محسوب می‌گردد به طوری که شرکت‌های پیشرو از این طریق در پی کسب سهم بیشتری از بازار هستند (همان) .حوزه بالادستی صنعت نفت

1. Czarnecka
2. Hellwig
3. Zhouying
4. Hemais

[ Downloaded from iiesj.ir on 2026-11-27 ]

نیز از این قاعده مستثنی نیست چراکه نقش فناوری و نوآوری در برتری در عرصه رقابت جهانی حوزه بالادستی صنعت نفت مدت زمان طولانی است که شناخته و به طور گسترده ای در محافل علمی و صنعتی پذیرفته شده است. بازیگران صنعت جهانی بالادستی نفت باید در طول زمان به طور موفقیت آمیزی توسعه و پذیرش تجاری سازی نوآوری‌ها را مدیریت کنند تا بتوانند عملکرد بالایی در عرصه رقابت داشته باشند و در محیط‌های تجاری و فناورانه امروزی رقابت کنند براین اساس مفهوم «شرکتهای نوآور» در عرصه کسب و کار صنعت جهانی بالادستی نفت ظهور کرده است (همان)

## ۷- الگوی کسب و کار بازیگران حوزه بالادستی صنعت نفت و گاز بر مبنای انواع رقابت‌پذیری فناورانه

الگوی کسب و کار مبتنی بر توسعه فناوری به مراتب نسبت به الگوی کسب و کار مبتنی بر بهره برداری از منابع هیدروکربنی ارجحیت دارد. این بنگاه‌ها با خلق و ترکیب دانش در صدد به کارگیری آن برای حل یک مسئله یا انجام یک کار خاص به شیوه ای نوآورانه و اثربخش تر هستند. هر پیشرفت جدید در پایه دانش علمی و در توانمندی‌های مهندسی و طراحی این بنگاه‌ها می‌تواند رقابت در میان بنگاه‌های صنعت را به یک سطح جدید از توانمندی فناورانه ارتقاء دهد این وضعیت به طور همزمان ایجاد کننده ی فرصت‌های جدید برای ورود بنگاه‌های تازه وارد و تهدید حذف بنگاه‌های استقرار یافته فعلی با منسوخ شدن فناوری‌های موجود آنهاست. بر این اساس ماهیت رقابت برای بنگاه‌های دارای الگوی کسب و کار مبتنی بر توسعه فناوری انعکاسی مستقیم از محیط و ویژگی‌های فناورانه ای است که بنگاه توسعه و تجاری سازی می‌نماید.(مهرمن[1]، ۲۰۱۶: ۶۷)

## ۸- لزوم اهتمام به فناوری در حوزه بالادستی صنعت نفت و گاز ایران

شرایط و خصوصیات میادین نفتی مناطق مختلف دنیا کاملا متفاوت است. به علت ویژگی‌های مخازن ایران ممکن است فناوری خاصی مورد نظر قرار گیرد که سابقه ای در دنیا نداشته باشد به عنوان مثال هنوز هیچ نرم افزاری که به معنای واقعی مخازن

1. Mohrman

[ Downloaded from iiesj.ir on 2026-11-27 ]

شکافدار را مدل کند وجود ندارد آنچه که موجود است عملا مدلهای تخلخل دو و یا چندگانه و یا چند تراوایی است. یکی از خصوصیات حوزه بالادستی صنعت نفت و گاز این است که بسیاری از خدمات فناورانه لازم در آن خاص یک پروژه یک میدان خاص هستند.

استفاده از روشهای جدید ژئوفیزیکی همچنین در تعریف بهتر مخازن، راندن و تفسیر بالای لرزه نگاری سه بعدی با وضوح بالا، جهت تعریف لایه‌های مخزن و پراکندگی سیالات در آن امکان تعیین ذخایر و برنامه توسعه قابل اتکاتر را فراهم مینماید به ویژه فناوریهایی که در حال حاضر از طریق استفاده از ماهواره و نه از طریق انفجار و ایجاد موج در این بخش به کار گرفته شده است. (ضیائی، ۱۳۸۹: ۱۲)

اهمیت فناوری در بخش بهره برداری نیز از آنجا مشخص می‌گردد که در سالهای قبل از ۱۹۶۰، ۵۰ تا ۶۰ درصد نفت تولیدی از میادین جدید حاصل می‌شد این رقم به ۲۰ تا ۲۵ درصد در سال ۱۹۹۰ و ۱۲ تا ۱۵ درصد در حال حاضر تقلیل یافته است و پیش بینی می‌شود در آینده ۷ تا ۱۰ درصد از نفت تولیدی از میادین جدید به دست آید. این امر اهمیت بسیار بالای تمرکز فعالیت بر میادین قدیمی به خصوص مدیریت صحیح این مخازن و اعمال روش‌های بهینه ازدیاد برداشت و بازیافت را نشان می‌دهد. در بخش بهره برداری نیز در ایران با وجود نفت در جای قریب به ۶۰۰ میلیارد بشکه یک افزایش ۱۰ درصدی در ضریب بازیافت، به معنای ۶۰ میلیارد بشکه نفت قابل تولید یعنی قریب به ۹۰ درصد نفت تولید شده در ایران از ابتدا تاکنون می‌باشد. فقط افزایش ۱ درصد به معنای ۶ میلیارد بشکه نفت جدید در قیمت ۵۰ دلاری معادل ۳۰۰ میلیارد دلار درآمد اضافی است. با توجه به حجم بالای ذخایر نفتی ایران و ضریب بازیافت تخلیه طبیعی از ۶ تا ۳۵ درصد زمینه بسیار گسترده ای برای اعمال فناوریهای نوین و در نهایت کاربرد روشهای تسریع در تولید و افزایش ضریب بازیافت وجود دارد. توسعه میادین مشترک نفتی و گازی نه تنها از اولویت دارترین برنامه‌های توسعه ای صنعت نفت در برنامه‌های توسعه ای کشور شناخته شده، بلکه در صدر برنامه‌های توسعه ای شرکت ملی نفت ایران نیز قرار گرفته است ولی ادامه این روند بنا به دلایلی ممکن نیست.(ضیائی، ۱۳۸۹: ۱۲)

[ Downloaded from iiesj.ir on 2026-11-27 ]

## ۹- رقابت‌پذیری در قراردادها جدید بالادستی نفت و گاز ایران[1]

با توجه به اعطای اختیار به شرکت‌های خارجی مبنی بر انتخاب شرکت ایرانی مورد نظر خود از میان شرکت‌های صلاحیت دار شاید بتوان گفت در عمل حق ورود شرکت‌های صلاحیت دار ایرانی به مناقصه پروژه‌های بزرگ نفتی منوط به برگزیده شدن توسط شرکت خارجی شده است، و ناگزیر فرآیند رقابت برای دسترسی به بازار میادین نفتی تا حد زیادی از آن شرکت‌ها سلب شده و شرکت‌های خارجی در موقعیتی مسلط شبیه انحصار چند قطبی نسبت به شرکت‌های ایرانی قرار گرفته اند؛ موقعیتی که به سبب قدرت چانه زنی کمتر این شرکت‌ها امکان سوء استفاده از آن از طریق تحمیل شروط قراردادی ممکن است.۲(همان)

بـه سـبب وجـود تحریم ها، از تعداد شرکت‌های خارجی علاقه مند به شرکت در مناقصات میادین ایران کاسته شده و احتمال تبانی میان آنها به منظور مخدوش کردن فرآیند مناقصه به ضرر شرکت ملی نفت ایران بیشتر خواهد بود. تبانی و رفتارهای ضد رقابتی مذکور از طریـق تبادل اطلاعات حساس و توسل به حالات مختلف کناره گیری از مناقصات قابـل وقـوع است. از آنجا که هدف از توسل به کناره گیری از مناقصه در

---

1. IPC

۲. اگرچه ارائه راهکاری همه جانبه که افزون بر عملی بودن و رعایت مصالح ملی اصول رقابت را نیز پوشش دهد در حیطه بحث این مقاله ،نیست اما از منظر حقوق رقابت و به منظور حذف موانع رقابت مؤثر به عنوان یکی از اقدامات لازم بـرای دسـتیابی به بازار ،رقابتی شاید این پیشنهاد کلی قابل طرح باشد که برای هر پروژه دامنه کارهـای مـورد انتظـار از پیمانکـاران ایرانـی دارای صلاحیت تعیین شود و سپس میان شرکتهای ایرانی (به عنوان رقبای هم سـطح داخلـی مناقصـه ای مسـتقل برگـزار گردد آنگاه دامنهٔ کارهای مورد انتظار از پیمانکاران خارجی دارای صلاحیت نیز تعیین شده و میان آنها (به عنوان رقبای هـم سطح خارجی مناقصه برگزار شود تا از هر دو مناقصه یک برنده معین گردد. سپس طبق روال قـانونی و بـا حفـظ مسـئولیت تضامنی آنها در برابر شرکت ملی نفت ،ایران میان این دو برنده قرارداد مشارکت منعقد .شود البته گفتنی است کـه تحمیـل شریک چندان با مفهوم مشارکت و لزوم انتخاب آزادانه شریک سازگار نیست اما باید توجه داشت کـه قـانون گـذار نـه تنهـا وجود شریک ایرانی را شرط ورود شرکتهای خارجی به مناقصه دانسته و در حقیقت نفـس وجـود شـریک ایرانـی را بـه ایـن شرکتها تحمیل نموده بلکه با وضع الزامات توان داخل نیز نحوه عملکرد شرکتهای خارجی را محدود کرده است از این رو در چهارچوب چنین مقرراتی به نظر میآید که پیشنهاد فوق قابلیت طرح را داشـته باشـد؛ گرچـه مقبولیـت آن بـا تردیـد روبـه روست.

در مقابل این پیشنهاد کلی که شرکت خارجی قانوناً ملزم شود تا خود از طرق رقابتی نظیر برگزاری مناقصه) به جلب شریک ایرانی بپردازد افزون بر ناسازگاری با مفهوم مشارکت با چالشهای دیگری نیز روبه روست؛ از جمله پیچیدگی هـای قـانونی و فنی فراخوان و برگزاری مناقصه توسط شرکتهای خارجی و نیز لزوم اطمینان از شفافیت و درستی روند پیگیری شده توسط این شرکتها.

[ Downloaded from iiesj.ir on 2026-11-27 ]

واقع تعیین قیمت مناقصه، تقسیم خدمات و یا میادین نفت و گاز ایران است بنابراین این گونه رفتارها حسب مورد مشمول بندهای ۱، ۲ و ۶ ماده ۴۴ ق.ا.ا.۴۴ قرار خواهند گرفت اما در این پژوهش، با توجه به وجود قید و بهره برداری غیر مجاز در بند «ک-۱» ماده ۴۵ و نیز با توجه به تشکیل در امکان توسعه مفهوم «کسب» به موارد تبادل اطلاعات، در نهایت تبادل اطلاعات حساس بازار به خودی خود مشمول هیچ یک از بندهای قانون مزبور شناسایی نشد و در نتیجه فاقد ضمانت اجرا در حقوق رقابت ایران دانسته شد.

## ۱۰- بررسی نظام حقوقی نروژ

در حقوق نروژ از قرارداهای لیسانس (مجوز بهره برداری) برای قراردادهای بالادستی نفت و گاز استفاده می‌کنند. فعالیت‌های بالادستی به دو صورت ممکن می‌باشد مجوز اکتشاف و مجوز تولید. در زمان اعطای مجوز اکتشاف هیچ حق ترجیحی یا اولویتی برای شرکت دارای مجوز در نظر گرفته نمی‌شود (سلیمی، ۱۳۹۸: ۱۳۶) و مجوز به صورت غیر انحصاری صادر می‌شود و به طور همزمان برای چند شرکت در یک حوزه جغرافیایی مجوز اکتشاف صادر می‌شود ولی مجوز تولید به صورت انحصاری صادر می‌شود. (petroleum act sec 2.1) (همان: ۱۲۲)

## ۱۱- نظام حقوق رقابت نروژ

کلیه فعالان اقتصادی در نروژ از جمله شرکت‌های نفتی نسبت به ارزیابی تطابق فعالیت‌ها و قراردادهایشان با مقررات حقوق رقابت مسولیت دارند. قانون رقابت نروژ در ۵ مارس ۲۰۰۴ تصویب شده و ۱ می۲۰۰۴ لازم اجرا شده است این قانون جایگزین قانون سال ۱۹۹۳ شدو در ۱۴ ژوئن ۲۰۱۳ اصلاح شد.

طبق ماده ۱ (۱) هدف قانون رقابت ۲۰۰۴ "رقابت بیشتر و در نتیجه کمک به استفاده کارآمد از منابع جامعه است. بند ۲ ماده ۱ مقرر می‌دارد که هنگام اعمال قانون، «به منافع مصرف‌کنندگان توجه ویژه‌ای داده می‌شود».

قواعد ماهوی و رویه‌ای مربوط به کنترل غلظت‌ها در فصل ۴ (مواد ۱۶ تا ۲۱) قانون رقابت ۲۰۰۴ بیان شده است. این بخش با قوانین کلی مربوط به تحقیقات در فصل ۶ و مقررات مربوط به تحریم‌ها در فصل ۷ قانون تکمیل می‌شوند. نحوه محاسبه

[ Downloaded from iiesj.ir on 2026-11-27 ]

جریمه‌های اداری برای تخلف از قوانین کنترل ادغام در آیین نامه‌ای که توسط وزارت تصویب می‌شود تعیین می‌شود.

نهاد رقابت نروژ (NCA) ۱ متولی نظارت بر رقابت و حفاظت از رقابت در نروژ از جمله بخش نفت و گاز این کشور است. (رستمی و مقیمی، ۱۳۹۶: ۲۲۷) به علاوه نظام حقوقی نروژ و مجوزهای نهاد رقابت نروژ به دلیل پیوستن نروژ به (EEA)۲ تابع مقررات بازار انرژی اتحادیه اروپا می‌باشد.

نهاد رقایت به علاوه بر مقررات داخلی مقررات مربوط به حقوق رقابت مواقتنامه EEA را در تصمیمات خود اعمال می‌کند اما اعمال این اختیار تابع مقرررات کمیسیون اروپا[۳] و آژانس فضایی اروپاست[۴] بدین صورت که در صورتی که نهادهای مذکور ابتدا تحقیقات نقض مقررات حقوق رقابت را شروع کرده باشند، نهاد رقایت حق تصمیم گیری مغایر را ندارد.. قانون رقابت توسط NCA اجرا می‌شود. تصمیمات نهاد رقابت توسط هیات استیناف قابلیت تجدیدنظر دارد. تصمیمات نهاد رقابت در صورتی که تشخیص دهد که اقدامات انجام شده مقررات حقوق رقابت را نقض ننموده و یا اینکه اقدامات انجام شده ادغام محسوب نشود قابیلت تجدیدنظر را ندارد و تصمیم مرکز قطعی است (پالمر[۵]، ۲۰۲۰: ۱۲۲). تصمیمات هیات استیناف در داداگاه تجدید نظر قابلیت استیناف دارد. شیوه جدید رسیدگی در تاریخ ۱ آوریل ۲۰۱۷ لازم الجرا شده است. نهاد رقایت نروژ حق اعمال مجازات در صورت رفتارهای ضد رقابتی را دارد (همان)

1. Norwegian Competition Authority
2. European Economic Area
۳. European Commission کمیسیون اروپا، نقش قوه مجریه را در اتحادیه اروپا ایفا می‌نماید. این کمیسیون مسئول پیشنهاد قوانین، اجرای تصمیم‌گیری‌ها، تنفیذ پیمان‌نامه‌ها و روی هم رفته انجام کارهای روزمره اتحادیه اروپا است. ساختار کمیسیون اروپا بصورت کابینه‌ای متشکل از ۲۷ نماینده یا کمیسیونر است، و هر یک از کشورهای عضو اتحادیه اروپا دارای یک نماینده در کمیسیون اروپا هستند. این نمایندگان نه برای پیگیری منافع کشور خود، بلکه در راه تحصیل منافع همه اتحادیه اروپا فعالیت می‌کنند.
۴. آژانس فضایی اروپا (ESA) سازمان فضایی اتحادیه اروپا است. ۱۹ کشور اروپایی شامل آلمان، اتریش، اسپانیا، ایتالیا، ایرلند، بریتانیا، بلژیک، پرتغال، دانمارک، سوئد، سوئیس، فرانسه، فنلاند، لوکزامبورگ، نروژ، هلند، یونان، جمهوری چک و رومانی اعضای این سازمان را تشکیل می‌دهند.
5. palmer

[ Downloaded from iiesj.ir on 2026-11-27 ]

به علاوه هیات انرژی و منابع آب نروژ جز نهادهای تابعه وزرات نفت و انرژی محسوب می‌شود و مسولیت مدیریت منابع آب و انرژی را در این کشور بر عهده دارد (رستمی و مقیمی، ۱۳۹۶: ۲۲۸) این هیات از اختیارات قانونی برای صدور مقررات و اتخاذ تصمیم و اجرای رویه‌های مقدماتی پرونده‌های ارجاع داده شده به وزرات نفت و انرژی، برخوردار است.

جلوگیری از انحصار طلبی شرکت‌های نفتی دولتی و ایجاد حس رقابت بین شرکت‌های نفتی نروژی از طریق برقرارای امکان اعطای مجوز فعالیت به شرکت‌های خارجی (سلیمی، ۱۳۹۸: ۱۲۴) و ایجاد تنوع در به کارگیری شرکت‌های نفتی و جلوگیری از ایجاد انحصار برای شرکت‌های نفتی مشخصه اصلی رقابتی بودن فعالیت‌های بالا دستی نفت و گاز در نروژ می‌باشد (دفتر مطالعات انرژی، ۱۳۹۷: ۱۲). به صورتی که شرکت اکوینور جهت دریافت مجوز بهره برداری با سایر شرکت‌ها رقابت می‌کند و اختیارات انحصاری در این خصوص ندارد (پالمر[1]، ۲۰۲۰: ۱۱۶).

## ۱۲- ساختار اصلی تشکیلاتی صنعت نفت و گاز نروژ

ساختار اصلی تشکیلاتی صنعت نفت و گاز نروژ را وزارت نفت و انرژی و شرکت‌های فعال دولتی تشکیل می‌دهد (سلیمی، ۱۳۹۸: ۱۲۹). وزرات نفت مسئول اصلی هماهنگی و یکپارچگی سیاست انرژی است (همان: ۱۳۰)

قانون نفت نروژ مصوب ۲۹ نوامبر ۱۹۹۶ شماره ۷۲ مهم‌ترین قانونی است که چهار چوب مدیریت و بهره برداری از منابع نفت و گاز بر اساساآن تعیین می‌شود. در سال 1963قانون نفت نروژ به تصویب رسید. در این قانون، مالکیت همه منابع طبیعی فلات قاره در اختیار حکومت قرار گرفت و پادشاه نروژ به عنوان حلقه نهایی در فرآیند صدور مجوز اکتشاف و تولید معرفی شد.

در سال ۱۹۷۱ طرحی ۱۰ بندی موسوم به ۱۰ فرمان نفتی به تصویب مجلس نروژ رسید.

در سال ۱۹۷۲ شرکت ملی نفت نروژ ( استات اویل)با مصوبه مجلس تأسیس شد.

در سال ۱۹۷۸ وزارت نفت و انرژی تأسیس شد.

1. palmer

[ Downloaded from iiesj.ir on 2026-11-27 ]

در سال ۱۹۸۵ اولین بازنگری صورت گرفت که بیش از نیمی از سهم استات اویل در میادین نفت و گازی و خطوط لوله از دارایی‌های این شرکت جدا شد و با عنوان وظیفه مدیریت سهم دولت قرار گرفت. در سال ۱۹۹۶ قانون نفت برای دومین بار بازنگری شد و ویرایش سوم قانون نفت به تصویب رسید که در حال حاضر می‌توان آن را نسخه نهایی قانون نفت نروژ دانست. البته در سال ۲۰۰۱ با تأسیس شرکت دولتی «پِتورو» که وظیفه مدیریت سهم دولت را در پروژه‌های نفتی بر عهده داشت، فصل جدیدی درخصوص این شرکت به قانون نفت اضافه شد. بر این اساس قانون نفت نروژ مهمترین سندی است که چارچوب مدیریت و بهره برداری از منابع نفت و گاز براساس آن تعیین می‌شود. فعالیت‌های روی خشکی نروژ قانون نفت خشکی ۴ مه ۱۹۹۷ شماره ۲۱ می‌باشد و تابع قانون نفت نمی‌باشد (سلیمی، ۱۳۹۸: ۱۱۴).

### ۱۲-۱- اداره نفت نروژ NPD[1]

در سال ۱۹۷۲ میادی با تصویب مجلس، اداره نفت نروژ به عنوان یکی از زیر مجموعه‌های وزارت نفت و انرژی تأسیس شد اداره نفت نروژ در واقع بازوی فنی و تخصصی وزارت نفت در فرآیند توسعه میادین نفت و گاز، نقشی بسیار کلیدی ایفا می‌کند. اولویت بندی توسعه میادین با توجه به نظر تخصصی این اداره انجام می‌شود. به علاوه اداره مذکور در تمامی مراحل صدور مجوز تولید حضور فعال دارد. بر اساس قوانین نفتی نروژ قبل از انجام هرگونه فعالیت نفتی در یک منطقه جدید ابتدا باید مجوز عمومی برای انجام فعالیت‌های نفتی در منطقه مذکور توسط مجلس صادر گردد. انتخاب و معرفی این مناطق به مجلس توسط وزارت نفت و انرژی و بر اساس بررسی‌های فنی و اقتصادی اداره نفت نروژ انجام می‌شود. (Petroleum Regulation, Sec 6d: NPD).در فرآیند توسعه میدان نیز تمامی نظارت‌های فنی و اقتصادی بر فعالیت شرکت‌های نفتی فعال در مناطق نفتی نروژ توسط اداره نفت نروژ و از طریق گزارش گیری‌های مستمر روزانه، ماهانه و سالانه انجام می‌شود. استمرار فعالیت‌های شرکت‌ها، تدوین برنامه توسعه میدان و ایجاد هرگونه تغییر درآن، مبتنی بر نظرات تخصصی اداره نفت نروژ انجام می‌شود. علاو ه بر این مدیریت اطلاعات و داده‌های صنعت نفت نروژ نیز بر عهده اداره نفت نروژ است (Petroleum Act, Sec 3.2).

1. Norwegian Petroleum Directorate

[ Downloaded from iiesj.ir on 2026-11-27 ]

### ۱۳- مشارکت دولت در فعالیت‌های صنعت نفت و گاز نروژ

مسئولیت مدیریت و اداره صنعت نفت و گاز کشور به وزارت نفت و انرژی نروژ واگذار شده. به طور کلی مشارکت دولت در صنعت نفت و گاز این کشور و بخشی از درآمد مستقیم‌آن از منابع نفت و گاز نروژ عمدتاً با استفاده از نهادها و چارچوب‌های زیر انجام می‌شود:

### ۱۳-۱- سهام دولت در پروژه‌های نفت و گاز نروژ (SDFI)[1]

دولت نروژ به منظور حفظ منافع این کشور در صنعت نفت و گاز، بخشی از سرمایه گذاری‌ها و هزینه‌های لازم مربوط به پروژه‌های نفت و گاز در میادین نروژ را پرداخت می‌کند و در ازای آن سهمی از درآمد حاصل از این پروژه‌ها را دریافت می‌کند. مجموعه حقوق صاحبان سهام دولت در این پروژه‌ها، سهام دولتی در شرکت‌های نفت و گاز نروژ نامیده می‌شود. (گروننداال، ۲۰۱۷: ۷۸)

### ۱۳-۲- شرکت اکوینور (استات اویل قدیم)

این شرکت بزرگ نفتی در سال ۱۹۷۲ پس از کشف اولین میادین نفت و گاز در نروژ تأسیس شد. این‌شرکت در ابتدا کاملاً دولتی بود و با هدف فعالیت در زمینه‌های مختلف صنعت نفت و گاز (شامل اکتشاف، تولید، حمل و نقل، پالایش و بازاریابی و فروش فرآورده‌های نفتی در نروژ) شروع به کار کرد. با شروع فعالیت‌های نفت و گاز در نروژ در دهه ۱۹۷۰، این شرکت به همراه دو شرکت بزرگ نفتی دیگر ساگا و نورسک هیدرو در میادین نفت و گاز این کشور آغاز به کار کردند. حضور همزمان این سه شرکت به همراه تعدادی از شرکت‌های نفتی خارجی در پروژه‌های صنعت نفت نروژ، رقابت‌پذیری شرکت‌های نفت و گاز داخلی و خارجی در نروژ را افزایش داده است. حضور استات اویل به عنوان تنها شرکت داخلی فعال در توسعه میادین نفتی در نروژ، امکان انحصار فعالیت‌های نفتی در این کشور را تقویت کرد. از این رو دولت با فعال سازی دو شرکت فعال دیگر (نورسک هیدرو و ساگا) گام مهمی در ایجاد رقابت در شرکت‌های نفتی داخلی و رفع انحصار فعالیت‌های نفتی در این کشور برداشته است. (همان)

1. State s Direct Financial Interest

[ Downloaded from iiesj.ir on 2026-11-27 ]

### ۱۴- برنامه نورسوک[1]

طی دهه ۱۹۹۰ قیمت پایین نفت و ذخایر قابل بهره برداری نفت به عنوان تهدیدی جدی برای بقای صنعت نفت نروژ مطرح شد و از سوی دیگر گزارش‌های مختلف چه در سطح ملی و چه در سطح بین المللی حاکی از قیمت بسیار بالای نفت بود. پروژه‌های توسعه میدان نفتی فراساحلی در نروژ در مقایسه با سایر مناطق به منظور جلوگیری از پیامدهای منفی در آینده، وزارت صنعت و انرژی نروژ در سال ۱۹۹۳ کمیته توسعه و بهره برداری را تشکیل داد که وظیفه اصلی این کمیته ارائه راهکارهایی برای کاهش هزینه‌های پروژه‌های نفتی و در نتیجه افزایش سطح رقابت‌پذیری صنعت نفت نروژ تعریف شد. این فرآیند ارائه راه حل به تدریج به یک برنامه هفت ساله برای صنعت نفت نروژ تبدیل شد و توسط چهار سازمان مختلف اجرا شد. در فوریه ۱۹۹۴، «کمیته توسعه و عملیات» سندی تحت عنوان «سطح رقابت‌پذیری در میدان نفتی فلات قاره نروژ» اجرا شد و سرانجام در سال ۲۰۰۰ اعلام شد که برنامه به اهداف خود رسیده است.

هدف اصلی برنامه نورسوک هماهنگ کردن فرآیند تحول سازمانی و فناوری در صنعت نفت نروژ بود. پیشنهادات نورسوک از یک سو بیانیه‌هایی خطاب به شرکت‌های نفت، دولت و تامین‌کنندگان برای بررسی فعالیت‌ها و تعاملات آنها بود و از سوی دیگر، مجموعه‌ای از توصیه‌های دقیق با هدف توضیح چگونگی افزایش کارایی هزینه، تشویق نوآوری، و راهکارهای فناورانه جدید را اعمال و توسعه دهند. در سال ۱۹۹۶ که اولین نتایج رسمی اعلام شد، گزارش‌ها حاکی از کاهش ۵۰ درصدی هزینه‌ها بود. (امباشتا، ۲۰۱۲: ۴۲)

## ۱۵- سیاست‌های تأثیرگذاری دولت در توسعه صنعت نفت نروژ در طول دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰

هرچند برخی شرایط به نوعی بسترهای اولیه را برای رشد و پا گرفتن این صنعت در این کشور فراهم شد، لیکن سیاستهای دولت نروژ را در راستای افزایش سهم صنایع داخلی نروژ نمی‌توان در نظر نگرفت. این سیاست‌ها به شرح زیر است:

1. Norsuk

[ Downloaded from iiesj.ir on 2026-11-27 ]

***ایجاد سازو کار نهادی مؤثر***

پس از کشف نفت، دولت نروژ به سرعت وارد عمل شد و برای مدیریت کاراتر و بهبود فعالیت نفتی ساختار جدیدی را بر اساس سطوح مختلف فعالیت‌های نفتی در کشور تعریف کرد که به شرح زیر است:

**سطح سیاست کلان در توسعه صنعت نفت:** برای سیاست کلان در زمینه توسعه میدان نفتی بر اساس منافع و الزامات داخلی کشور، وزارت نفت و انرژی در نروژ ایجاد شد.

**سطح مدیریت منابع نفت و گاز و نظارت فنی بر توسعه این مناطق:** وجود نهادی متشکل از تیم‌های تخصصی مهندسی و زمین شناسی برای اعمال نظارت فنی بر روند توسعه این مناطق ضروری بود. به همین منظور سازمانی به نام سازمان مدیریت نفت و گاز نروژ راه اندازی شد و مدیریت فنی و مهندسی میادین نفتی به این شرکت سپرده شد.

**سطح عملیاتی و مشارکت مستقیم در توسعه میادین:** تأسیس اکوینور به عنوان یک‌شرکت کاملاً دولتی، علاوه بر اینکه ابزاری مطمئن برای اجرای سیاست‌های کلی دولت نروژ در توسعه میادین این محسوب می‌گردد، می‌توانست به عنوان یک شرکت بزرگ نروژی فعال در پروژه‌های نفتی نروژ، از تسلط کامل شرکت‌های نفت خارجی در میادین این کشور جلوگیری نماید. اگرچه افزایش مشارکت صنایع و شرکت‌های نروژی در توسعه صنعت نفت این کشور یکی از مهمترین اهداف دولت نروژ تلقی می‌شد، اما حضور شرکت‌های نفتی بین المللی در توسعه میادین نفت و گاز این کشور هرگز محدود نگردید. (Ibid: ۴۳)

**۱۵-۱- تدوین سیاست‌های، صنعتی مناسب**

توسعه صنایع بومی و افزایش مشارکت آنها را می‌توان یکی از دغدغه‌های اصلی دولت نروژ در طول توسعه صنعت نفت این کشور دانست. به تدریج و طی سال‌های بعد هدف مورد نظر در توسعه صنایع نفت و گاز فراساحلی نروژ به شرح زیر تعیین شد: نهادینه سازی رقابت در زمینه فعالیت شرکت‌های نروژی در پروژه‌های نفت و گاز این کشور، به طوری که این رقابت همچنین در درازمدت (حتی در صورت توقف تولید نفت و گاز)

[ Downloaded from iiesj.ir on 2026-11-27 ]

ارزش افزوده‌ای برای کشور ایجاد می‌کند. دولت نروژ هرگز از تلاش برای جلب مشارکت بیشتر شرکت‌های نروژی در پروژه‌های نفت و گاز در این کشور دست برنداشته است. از جمله مهمترین این قوانین و مقررات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

در هر مناقصه تعدادی از شرکت‌های نروژی باید در لیست خرید متقاضیان شرکت در مناقصه قرار گیرند. همچنین، وزارت نفت می‌تواند از مناقصه گران بخواهد که تعدادی از شرکت‌های منتخب نروژی را در لیست تدارکات خود قرار دهند.

از مناقصه گران درخواست می‌شود تا برنامه‌های خود را برای افزایش مشارکت شرکت‌های نروژی در پروژه‌ها و در یک محیط رقابتی ارائه دهند. شرکت‌ها و صنایع داخلی موظفند با ایجاد همکاری‌های مشترک با شرکت‌های خارجی، نحوه ایجاد توانمندی‌های صنعتی در حوزه‌های استراتژیک را بیاموزند و برای توسعه بیشتر آماده شوند. شرکت‌های نفتی داخلی و خارجی که در پروژه‌های نفتی نروژ کار می‌کنند، موظفند برنامه‌ها و خود را برای توسعه آینده میادین این کشور به اطلاع صنعت داخلی نروژ برسانند. به این ترتیب، صنایع نروژی از قبل خود را برای حل چالش‌های بالقوه توسعه مناطق مذکور آماده می‌کنند. در صورتی که وزارت نفت تشخیص دهد که شرایط لازم برای مشارکت شرکت‌های نروژی در پروژه‌ها در جریان مناقصه در نظر گرفته نشده است و شرکت‌های نروژی به نحوی مورد تبعیض قرار می‌گیرند، این وزارتخانه می‌تواند مناقصه مذکور را لغو و مناقصه جدیدی را برگزار نمایند. (بطحایی، ۱۳۹۶: ۷۶)

## ۱۶- عوامل مؤثر در رقابت‌پذیری فعالیت‌های بالادستی نفت و گاز در نظام نروژ

پس از شکل‌گیری ساختار صنعت نفت و گاز نروژ و افزایش رقابت‌پذیری شرکت‌های نروژی (شرکت‌های نفتی، تامین‌کنندگان تجهیزات و خدمات) به سطح قابل قبولی، سیاست‌های حمایتی دولت از این شرکت‌ها کنار گذاشته شد و دولت سیاست‌های جدیدی را معرفی کرد. برنامه‌هایی برای حضور پررنگ این شرکت‌ها، در بازارهای جهانی اجرا کرد. (ابراهیمی، ۲۰۱۲: ۹۵)

### ۱۶-۱- تشکیل انجمن شرکت‌های نفت و گاز نروژ

در سال ۱۹۹۷، وزارت نفت و انرژی نروژ با همکاری صنایع این کشور و با هدف تقویت حضور شرکت‌های نفت و گاز نروژ در بازارهای جهانی، انجمن شرکت‌های نفت و گاز

[ Downloaded from iiesj.ir on 2026-11-27 ]

نروژ را ایجاد کرد[1]. بیش از ۱۰۰ شرکت فعال در این صنعت نفت و گاز را در این کشور تأسیس کرد. این انجمن در مجموع کل زنجیره تأمین صنعت نفت و گاز نروژ را پوشش می‌دهد و با استفاده از ارتباطات گسترده و نزدیک با شرکت‌های عضو خود توانسته بسترهای لازم را برای افزایش همکاری‌های متقابل بین شرکت‌های نفت و گاز، فناوری و ارائه دهندگان خدمات با نهادهای دولتی نروژ ایجاد کند. علاوه بر این موارد، کمک به شرکت‌های عضو برای جذب فرصت‌ها و پروژه‌ها در صنایع جهانی نفت و گاز، افزایش رقابت‌پذیری در سطح بین‌المللی، توسعه روابط بین‌المللی خود با نهادهای دولتی داخل و خارج از کشور و ارائه اطلاعات در مورد نوآوری‌ها نفت و گاز نروژ و راهکارهای کاهش هزینه از دیگر خدماتی است که این انجمن به شرکت‌های تحت پوشش آن ارگان ارائه می‌کند. رویه‌ها و سیاست‌های کلی دولت نروژ در بخش نفت و گاز از ابتدا تا کنون منجر به شکل گیری یک صنعت قوی و رقابتی نفت و گاز در سطح جهانی شده است، به طوری که ارزش خدمات و تجهیزات ارائه شده توسط تولیدکنندگان تجهیزات و خدمات صنعت نفت این کشور به بازارهای جهانی از ۲,۱ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۵ به ۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۱ افزایش یافته است. (گاندی[2]، ۲۰۱۱: ۴۳)

### ۱۶-۲- برنامه DEMO 2000:

یکی از اصول کلی دولت نروژ برای توسعه فناوری‌های جدید در صنعت نفت ایجاد پیوندهای ارتباطی بین شرکت‌های نفتی، تأمین کنندگان تجهیزات و خدمات و مؤسسات تحقیقاتی بوده است. بر اساس برنامه DEMO۲۰۰۰، در حین اجرای پروژه‌های آزمایشی، تعدادی فناوری کارآمد مورد نیاز صنعت نفت نروژ شناخته شده و پس از ارزیابی اولیه این فناوری‌ها و تأیید ضرورت توسعه آنها، به منظور تجاری سازی فناوری‌های مذکور سرمایه گذاری‌های بعدی در این زمینه انجام می‌شود.. (Ibid:۴۴)

1. INTSOK
2. Ghandi

[ Downloaded from iiesj.ir on 2026-11-27 ]

### ۱۶-۳- استراتژی ملی فناوری صنعت نفت و گاز نروژ در قرن ۲۱(OG21) [1]

با توجه به نقش مهم صنعت نفت نروژ در اقتصاد کشور و درآمدزایی و اشتغالزایی آن، مسئولان این کشور تلاش کردند با توسعه پایدار این صنعت را دنبال کنند. به همین منظور اعلام کردند تمامی فعالان صنعت نفت و گاز باید فناوری را مهم‌ترین عامل کاهش هزینه‌ها و تقویت رقابت‌پذیری در این صنعت و همچنین رفع چالش‌های آتی فعالیت‌های نفتی نروژ بدانند.

بر همین اساس و در سال ۲۰۰۱ میلادی، تدوین استراتژی ملی فناوری صنعت نفت و گاز نروژ در قرن ۲۱ با برخورداری از دو ویژگی نگاه بلندمدت به مقوله «توسعه فناوری» و «فراگیر شدن» این طرح در تمامی اجزای صنعت نفت نروژ به ابتکار وزارت نفت و انرژی این کشور در دستور کار قرار گرفت و گروهی تحت عنوان OG21 به منظور یکپارچه کردن صنعت نفت و گاز با یکدیگر تحت یک استراتژی فناوری ملی مشترک و پایدار ایجاد شد که سرانجام فعالیت آن منجر به تنظیم یک راهبرد فناوری جامع گردیده است. بر این اساس و در سال ۲۰۰۱، تدوین راهبرد ملی فناوری صنعت نفت و گاز نروژ در قرن بیست و یکم با دو ویژگی نگاه بلندمدت به مقوله «توسعه فناوری» و «فراگیر شدن» این طرح در تمامی مؤلفه‌های صنعت نفت نروژ به ابتکار وزارت نفت و انرژی آغاز شد و در دستور کار قرار گرفت و گروهی به نام OG۲۱ به منظور ادغام صنعت نفت و گاز با یکدیگر تحت یک طرح راهبردی فناوری ملی مشترک و پایدار ایجاد شد. که در نهایت منجر به تنظیم راهبرد جامع فناوری شده است. (بطحایی، ۱۳۹۶: ۸۹)

#### ۱۶-۳-۱- ساختار استراتژی

کاهش هزینه تولید نفت در نروژ و یکی از بدیهی‌ترین اهداف ذکر شده در این استراتژی، رساندن آن به ۸ دلار در هر بشکه است. سپس بر اساس چشم انداز و اهداف تعیین شده تصویر روشنی از ریسک‌های صنعت نفت نروژ در سال‌های آتی ترسیم می‌شود. در گام بعدی با توجه به این چالش‌ها و بر اساس چشم انداز بلندمدت صنعت نفت نروژ، مناطقی که جزو حوزه‌های فناوری اولویت دار (TTA) هستند برای توسعه

1. oi and gas for the 21st century

[ Downloaded from iiesj.ir on 2026-11-27 ]

آتی این صنعت در نروژ انتخاب می‌شوند. پس از تعیین حوزه‌های اولویت دار فناوری، فناوری‌های فرعی مربوط به هر یک از حوزه‌های اولویت دار تعیین می‌شوند. (همان)

## ۱۷- نتیجه‌گیری

### ۱۷-۱- تحلیل

- دولت نروژ جهت حفظ منافع کشور و رقابت‌پذیری در صنعت نفت و گاز بخشی از هزینه‌های و سرمایه گذاری‌ها لازم مرتبط به پروژه‌های میادین نفت و گاز را پرداخت می‌کند و بابت آن سهمی از درآمد حاصل از این پروژه‌ها را دریافت می‌کند.در ایران قرارداهای بالا دستی نفت و گاز بعد از تصویب قراردادهای بیع متقابل و IPC اجازه مشارکت شرکت‌های خارجی و داخلی در زمینه اکتشاف و بهره برداری از میادین داده شده است. سرمایه گذاری، تجهیزات و فناوری بر عهده شرکت‌ها خارجی می‌باشد و دولت پس از به اتمام رسیدن فرایند ساخت پروژه، از طریق فروش محصولات و سود حاصل از بهره‌برداری پروژه، تمام هزینه‌های سرمایه‌گذاری اولیه و بخشی از سود سرمایه را طبق توافق به طرف سرمایه‌گذار می‌پردازد.
- با توجه به بندهای ۱۳، ۱۴ و ۱۵ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی خام فروشی نفت به صراحت منع شده است، ولی به دلیل نبود فناوری مدرن و تبدیل آن باز هم شاهد خام فروشی نفت خام هستیم. این درحالی است که کشور نروژ به سیاست گذاری دقیق و هم بیم از کم شدن ذخایر خود در آینده خام فروشی را ممنوع کرده است.
- در ایران نبود تجهیزات و فناوری‌های مدرن در زمینه استخراج انرژی به ویژه نفت خام به صورت جدی احساس می‌شود. و تا به حال دولت اقدامی جدی در زمینه بومی سازی آن انجام نداده است. در حالی که نروژ بیش از ۱۰۰ شرکت فعال در صنعت نفت و گاز را در این کشور تأسیس کرد، که کل زنجیره تأمین صنعت نفت و گاز نروژ را پوشش می‌دهد و همچنین از ابتدا تا کنون منجر به شکل گیری یک صنعت قوی و رقابتی نفت و گاز در سطح جهانی شده است. با این راهبرد باعث

[ Downloaded from iiesj.ir on 2026-11-27 ]

کاهش هزینه گردیده و هم باعث شد به یکی از تامین کنندگان برتر فناوری، خدمات و تجهیزات مدرن صنعت نفت و گاز در دنیا تبدیل شود.

- در قراردادهای IPC شرکت خارجی مختار است به هر طریق که صلاح بداند به انتخاب شریک ایرانی اقدام کند گفته شد که در مرحله تشکیل مشارکت خارجی - ایرانی برای ورود به مناقصات، سرمایه گذاران خارجی نسبت به شرکت‌های ایرانی دارای موقعیتی مسلط اند و ممکن است از این موقعیت در مذاکرات قراردادی برای انتخاب شریک سوء استفاده کنند. در نروژ در هنگام عقد قرارداد با شرکت‌های خارجی از آنها خواسته می‌شود که برنامه‌های خود را برای افزایش مشارکت شرکت‌های داخلی ارائه دهند و به صورت شفاف این موضوع را مشخص کنند که در تصیم گیری در اعطای قراردادها به آنها مؤثر خواهد بود. در صورتی که وزارت نفت نروژ تشخیص دهد که شرایط لازم برای مشارکت شرکت‌های نروژی در پروژه‌ها در جریان مناقصه در نظر گرفته نشده است و شرکت‌های نروژی به نحوی مورد تبعیض قرار می‌گیرند، این وزارتخانه می‌تواند مناقصه مذکور را لغو و مناقصه جدیدی را جدیدی را برگزار نمایند.
- در ایران در حوزه توسعه فناوری و تجهیزات و همچنین فراگیر شدن صنعت نفت در حوزه فعالیت‌های بالا دستی اقدامات چشمگیری صورت نگرفته است که اساس پیشرفت کشور نروژ در فعالیت‌های بالا دستی نفت و گاز می‌باشد.
- متاسفانه درست در زمانی که تقویم تاریخ صنعت نفت ایران صدساله شده، تحقیق و پژوهش در حوزه این صنعت، بسیار جوانتر از خود صنعت نفت بوده و به نظر می‌رسد کشور ما هنوز در حال برداشتن گام‌های نخست در زمینه فعالیت‌های علمی در صنعت نفت است. و می‌توان گفت که رقابت‌پذیری فعالیت‌های بالادستی نفت و گاز در نظام حقوقی ایران به صورت چشمگیری وجود ندارد.

**۱۷-۲- پیشنهادات**

- با توجه به ویژگی‌های خاص بخش نفت، گاز، پتروشیمی و صنایع وابسته از جمله ویژگی‌های فنی، رفتارهای بازیگران بین المللی و علی الخصوص ویژگی‌های اقتصادی که بطور انکارناپذیری منجر به بروز مصادیق شکست بازار در بخش مذکور

[ Downloaded from iiesj.ir on 2026-11-27 ]

می‌شود، جهت ایجاد و تقویت رقابت‌پذیری از مهم ترین الزامات فضای کسب و کار، تشکیل نهاد تنظیم گرد میباشد.

- با توجه به تاثیر مثبت برنامه‌های (NORSOK و OG21)، تدوین راهبرد ملی فناوری صنعت نفت و گاز با برخورداری از دو ویژگی نگاه بلندمدت به مقوله «توسعه فناوری» و «فراگیر شدن» در تمامی اجزای صنعت نفت ایران ضروری است.
- همانند کشور نروژ جهت رقابت‌پذیری و توسعه در حوزه فعالیت‌های بالا دستی نفت و گاز بر اساس برنامه DEMO۲۰۰۰ نروژ، فناوری‌های کارآمد مورد نیاز صنعت نفت ایران شناخته شود و پس از ارزیابی اولیه این فناوری‌ها و تأیید ضرورت توسعه آنها، سرمایه گذاری‌های بعدی در این زمینه به منظور تجاری سازی فناوری‌های مذکور انجام شود و این از مهم‌ترین عامل کاهش هزینه‌ها و تقویت رقابت‌پذیری در این صنعت و همچنین رفع چالش‌های آتی فعالیت‌های نفتی ایران می‌باشد.
- در ایران جهت رقابت‌پذیر کردن فعالیت‌های بالادستی نفت و گاز باید سازمانی همانند اداره نفت نروژ تاسیس شود که به عنوان بازوی فنی و تخصصی وزارت نفت عمل نماید.

[ Downloaded from iiesj.ir on 2026-11-27 ]

## منابع

- ابراهیمی، سید نصرالله، جعفری چالشتری، محمود (۱۳۹۴) تحلیل حقوقی انحصار و رقابت در بازار انرژی، با تأکید بر صنایع گاز و برق؛ چالش‌ها و فرصت‌ها، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دورهٔ ۴۵، شمارهٔ ۳، صفحات ۳۷۸-۳۶۱
- امین زاده، الهام، مقیمی، لیلی (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی میزان اثرگذاری دولت در استقلال نهادهای تنظیم مقررات انرژی در بخشهای برق، نفت و گاز، مطالعات حقوق انرژی، دورهٔ ۴، شمارهٔ ۲، صفحات ۳۴۹ تا ۳۷۶
- امراللهی علیرضا و، یقطین شهرزاد (۱۳۹۲) صنایع بالادستی نفت و گاز، نشریه اروند نشریه شرکت مهندسی و ساخت تاسیسات دریایی ایران، شماره ۵۱.
- بطحایی، سید پیام (۱۳۹۶)، «جزئیات نسل سوم قراردادهای نفتی»، مجله گستره انرژی، شماره ۴۵
- بندریان رضا(۱۳۹۷) لزوم بین المللی شدن صنعت نفت ایران و جایگاه فناوری در تحقق آن، نشریه اکتشاف و تولید، ۱۵۴، ۱۴-۲۲.
- بندریان رضا(۱۳۹۷). تبیین دلایل عدم تمایل به استفاده از پتنت برای حفاظت از دارائی‌های فکری در حوزه بالادستی صنعت نفت فصلنامه سیاست نامه علم و فناوری، ۸(۱)، ۵۷-۶۸
- بندریان رضا(۱۳۹۷). پیاده سازی کسب و کار مبتنی بر توسعه فناوری فرایند اصلی گذار شرکت‌های ملی نفت به سوی بین المللی شدن اکتشاف و تولید نفت و گاز، ۱۵۹، ۱۷- ۲۵
- خواجوی، علی (۱۳۹۴). تبیین وظایف و کارکردهای تنظیم گری در حوز ه ی نفت و گاز و مطالعه‌ی تجارب کشورهای منتخب، ماهنامه علمی- ترویجی اکتشاف و تولید نفت و گاز، شماره‌ی ۱
- رستمی، ولی؛ مقیمی، لیلا (۱۳۹۶). بررسی چگونگی تشکیل نهادهای تنظیم مقررات انرژی در کشور با رویکرد تطبیقی، مطالعات حقوق انرژی، دورهٔ ۳، شمارهٔ ۲، ص ۲۱۹ تا ۲۵۴

[ Downloaded from iiesj.ir on 2026-11-27 ]

- رستمی، ولی؛ کمرخانی، ایام (۱۳۹۴) اعمال مقررات حقوق‌رقابت بر اَعمال حاکمیتی و تصدی دولت، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دورهٔ ۴۵، شمارهٔ ۳، پاییز ۱۳۹۴، صفحات ۴۳۱-۴۵۱
- درخشان عاطفه(۱۳۹۴). تکلیف انتقال و توسعه فناوری در بخش بالادستی صنعت نفت ایران ملاحظاتی در مفاهیم الزامات، چالشها و راهکارها پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، ۴(۱۴)، ۳۳-۸۸
- سلیمی، مرتضی (۱۳۹۸). نهادهای نظارتی بر قراردادهای نفتی در حقوق ایران و مقایسه با حقوق نروژ، پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد، در رشته حقوق نفت و گاز، دانشکده حقوق پردیس فارابی، پردیس فارابی دانشگاه تهران
- شوآب کلاوز (۲۰۱۳)، گزارش رقابت‌پذیری جهانی، مجمع جهانی اقتصاد،:: مترجم: فرناز، صفدری مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی صفحه ۱۴
- سامانه قوانین و مقررات کشور؛ لوح حق، قانون نفت سال ۱۳۶۶ مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی تهران
- قانعی راد محمدامین، فرتوک زاده حمیدرضا، آذرآئین محمد رضا(۱۳۹۷). تحلیل ناهمزمانی‌های توسعه فناوری با رویکردی گفتمانی در حوزه بالادستی صنعت نفت ج.ا.ایران فصلنامه بهبود مدیریت، ۳۹(۱۲)، ۱-۲۵
- ریحانی نیا ، سید وحید، اسمعیل نیا کتابی، علی اصغر،ارائه الگوی تخصیص بهینه منابع مالی پروژه‌های سرمایه‌ای‌نفت، (۱۴۰۲)، فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی، سال هجدهم ، شماره ۷۳
- کاظمی نجف آبادی، عباس، حاجیان، محمد مهدی،آشتیانی محمد رضا، راهکاری برای تأمین مالی در پروژه‌های بالادستی صنعت نفت و گاز بااستفاده‌ازصندوق‌سرمایه گذاری‌پروژه ،۱۴۰۲،فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی سال هجدهم ، شماره۷۵
- Ambashta, Ajitabh, Momaya, (2012), K. "Competitiveness of Firms: Review of Theory, Frameworks and models", Singapore Management Review, Vol 26 (1), pp. 45-58.
- Albers Mohrman, S., & Von Glinow, M. A.(2016) High technology organizations: Context, organization and people, Journal of Engineering and Technology Management, 6(3–4), 261–280.

[ Downloaded from iiesj.ir on 2026-11-27 ]

- Bartlett A. and Ghoshal S. (2015). Managing Across Borders, Harvard Business School Press, Boston, MA.
- Booth, E. Marilyn & Philip, George (2016) Technology, for Competencies and Competitiveness: The Case Reconfigurable and Flexible Strategies; Journal of Business Research, Vol. 41, pp. 29-40.
- Czarnecka, Marzena (2011), the Energy Tariff System and Development of Competition in the Scope of Polish Energy Law, Yearbook of Antitrust and Regulatory Studies.
- Duncanson,¬ ameron, peter (2017), Competition in Energy Market: Law and Regulation in European Union, Oxford press, second edition.
- Ebrahimi, S.N. (Spring Semester 2012), Upstream petroleum Contracts, Imam Sadiq University, Tehran.
- Hax Arnoldo C., Wilde II. Dean (2014); "The Delta Model: Adaptive Management for a Changing World", Sloan Management Review, 40 (2), pp. 11-28.
- Hellwig, Martin (2018), Competition Policy and Sector-Specific Regulation for Network Industries.
- Hemais, C. A., Barros, H. M., & Rosa, E. O. R.(2015). Technology Competitiveness in Emerging Markets: The Case of the Brazilian Polymer Industry, Journal of Technology Transfer, 30, 303–314.
- Jolly, D. R.(2012). Development of a two-dimensional scale for evaluating technologies in high-tech companies: An empirical examination, Journal of Engineering and Technology Management, 29(2), 307-329.
- Pérez-Luño, A., Wiklund, J., & Cabrera, R. V.(2011). The dual nature of innovative activity: How entrepreneurial orientation influences innovation generation and adoption, Journal of Business Venturing, 26(5), 555- .571
- Trujillo, Elizabeth (2015), State Action Antitrust Exemption Collide with Regulation: Rehabilating the Foresee Ability Doctrine, FORDHAM JOURNAL OF CORPORATE &FINANCIAL LAW, Vol. XI.
- Willis, Peter, Paul Hughes (2018),Structural Remedies in Article 82 Energy Cases, THE COMPETITION LAW REVIEW, Volume 4 Issue 2.

[ Downloaded from iiesj.ir on 2026-11-27 ]